



سیره پژوهی مروری انتقادی بر سابقه و وضعیت کنونی

دکتر روح الله توحیدی نیا



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۴۰۴

توحیدی‌نیا، روح الله، ۱۳۶۹ -
سیره‌پژوهی: مروری انتقادی بر سابقه و وضعیت کنونی / روح الله توحیدی‌نیا. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.
۲۳۵ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۸۱۲؛ تاریخ اسلام: ۱۷۱)
بها: ۳۵۲۰۰۰ ریال
ISBN: 978-600-298-601-6
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.
۱. محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت-۱۱ق. -- سرگذشتنامه. ۲. Muhammad, Prophet -- Biography.
۳. اسلام--سرگذشتنامه. ۴. Islam -- Biography. ۵. سنت نبوی. ۶. Wonts of the Prophet.
۷. چهارده معصوم--سرگذشتنامه--تاریخ و نقد.
۸. *Fourteen Innocents of Shiite -- Biography -- History and criticism. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
BP۲۲/۹ ۲۹۷/۹۳
شماره کتابشناسی ملی
۱۰۳۵۰۱۰۶



سیره‌پژوهی؛ مروری انتقادی بر سابقه و وضعیت کنونی

مؤلف: دکتر روح الله توحیدی‌نیا (عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ویراستار: عاطفه خدایی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۴

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۳۵۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۶۰۱-۶

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۸۱۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای استادان، محققان و دانش‌آموختگان و دانشجویان در هر رشته‌ای از علوم اسلامی یا علوم انسانی/اجتماعی که قصد علم‌آموزی و تحقیق در ارتباط با معصومان (علیهم‌السلام) را دارند، فراهم شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از زحمات مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر روح‌الله توحیدی‌نیا و نیز از ارزیاب گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین عبدالمحمّدی سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
---------------	---

فصل اول: کلیات

۱-۱. بیان مسئله و اهمیت پژوهش.....	۵
۲-۱. مبانی نظری پژوهش.....	۱۰
۳-۱. پیشینه پژوهش.....	۱۲
۱-۳-۱. سیره و سیره‌نگاری.....	۱۲
۲-۳-۱. سیره‌پژوهی؛ مسیری برای شناخت معصومان (علیهم‌السلام).....	۱۷
۳-۳-۱. سیره‌پژوهی؛ مسیری برای درس‌آموزی.....	۲۰

فصل دوم: «سیره»؛ ریشه و نگرش‌ها

۱-۲. مقدمه.....	۲۷
۲-۲. واژه «سیره».....	۲۸
۳-۲. «سیره» در منابع نخستین.....	۳۱
۴-۲. «سیره» از منظر ائمه هدی (علیهم‌السلام).....	۳۸
۵-۲. سیره در بهینه معارف اسلامی.....	۴۴
۶-۲. «سیره» در طبقه بندی علوم.....	۵۳

فصل سوم: «سیره‌نگاری»؛ روند و رویکردها

۱-۳. مقدمه.....	۶۳
۲-۳. سیره‌نگاری نزد عامه.....	۶۵
۳-۳. سیره‌نگاری نزد شیعیان.....	۷۰
۱-۳-۳. دوره تکوین و پایه ریزی منابع.....	۷۱
۲-۳-۳. دوره تبویب و ساختارمندی منابع.....	۷۹

۳-۳-۳. دوره توسعه قالب‌ها و ترویج محتویات.....	۸۸
۳-۴. درون‌مایه سیره‌نگاری شیعی.....	۹۳

فصل چهارم: گستره و ابعاد «سیره‌پژوهی»

۱-۴. مقدمه.....	۱۰۵
۲-۴. بهره‌مندی نو از «سیره».....	۱۰۶
۳-۴. خوانش غیر اسلامی از معصومان (علیهم‌السلام).....	۱۱۲
۱-۳-۴. مطالعات اهل سنت.....	۱۱۹
۲-۳-۴. مطالعات شیعیان.....	۱۲۸
دسته نخست.....	۱۲۹
دسته دوم.....	۱۳۷
دسته سوم.....	۱۴۳

فصل پنجم: چالش‌ها و مسائل «سیره‌پژوهی»

۱-۵. مقدمه.....	۱۴۹
۲-۵. چالش در رویکردها.....	۱۵۰
۱-۲-۵. منظرگاه برون شیعی.....	۱۵۱
۲-۲-۵. منظرگاه تاریخی و کلامی.....	۱۵۴
۳-۲-۵. منظرگاه تاریخی و حدیثی.....	۱۵۸
۴-۲-۵. منظرگاه تاریخی و فقهی.....	۱۶۱
۳-۵. چالش در روش.....	۱۶۵
۱-۳-۵. اعتبارسنجی.....	۱۶۶
۲-۳-۵. توصیف.....	۱۷۲
۳-۳-۵. تحلیل.....	۱۷۴
۴-۳-۵. تجویز.....	۱۷۷
۴-۵. موضوعات چالش برانگیز.....	۱۸۰
۱-۴-۵. نسبت نظر و عمل معصومان (علیهم‌السلام) با یکدیگر.....	۱۸۰
۲-۴-۵. معجزات و مناقب معصومان (علیهم‌السلام).....	۱۸۱
۳-۴-۵. ترجمان عصری سیاست معصومان (علیهم‌السلام).....	۱۸۴
۴-۴-۵. تحریفات و مشهورات.....	۱۸۷
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۹۱
منابع.....	۲۰۹

پیشگفتار

در یک نگاه کلان و با ملاحظه به دور تند تحولات دوره معاصر، می‌توان شاهد نمایشی از روند جاء الحق و زهق الباطل با انکاب بر نمایندگان صالح خداوند بود. از یک سو، درحالی‌که عقلای عالم، سرگرم آزمون و خطای فرآورده مستقل خویش برای تنظیم روابط اجتماعی بوده و هست، حق جویان در پستوی اوج‌گیری دنیاطلبی و تحول روزآمد در مظاهر جذاب تامین نیازهای حیوانی، بر ناکامی عقل و نفس خودخواه انسان در فراهم آوردن امنیت و آرامش اعتراف می‌کند. در طرف دیگر، منطق گویای اسلام با وجود تمامی آسیب‌هایی که از سوی ناهلان متحمل شده و موانعی که برای رسیدن به گوش اهل حقیقت پیش رو دارد، به یمن اراده الهی، روزبه‌روز بر قلب‌ها فرود می‌آید و هرچه می‌گذرد توطئه دشمنان برای پوشاندن چهره حقیقی و ناب اسلام، ناکام می‌ماند. اگر برای لحظه‌ای صدای هیاهوی رسانه‌های خودباخته خاموش شود، می‌توان حقیقت را دید که ایران اسلامی با هدف قرار دادن تمدن نوین اسلامی، مسیر علم و به‌ویژه علوم انسانی را در جای خود یعنی نقطه پرگار آینده خویش قرار داده است و تکاپوی تحول‌خواهان در عرصه علم و فناوری و به‌ویژه علوم انسانی اسلامی، قدم به قدم، نویددهنده توان و ظرفیت‌های اندیشه اسلام ناب برای پاسخگویی به مسائل بشر و رهنمون ساختن انسان و جامعه انسانی به سوی اعتدال و عدالت است؛ هرچند به سنت پیروزی حق، راهی پرفراز و نشیب پیش روی اهل یقین قرار دارد.

اما امروز، پس از چند دهه تجربه برای ارائه منطق اسلام در پاسخ به مسائل، روشن‌تر شده است که هر اندازه به مبانی، اصول، روش‌ها و به‌طور کلی مباحث نظری در حیطه علوم اسلامی و انسانی پرداخته شده، تحول و تکامل مسیر محسوس‌تر بوده و هر اندازه با بهانه تراشی یا سهل‌اندیشی

به مسیرهای موجود اکتفا شده، ناکامی‌ها به تدریج رخ نموده است؛ ازاین‌رو، تلاش‌ها برای فهم جایگاه و نقش آموزه‌های وحیانی و چند و چون جاری شدن آن در مرزهای محتوایی و روشی که به عنوان علوم اسلامی شناخته می‌شود، ادامه دارد. در این بین، اما آنچه کمتر بدان توجه شده، چند و چون ارتباطی است که انسان با هدایتگر خویش دارد و روشن است که تا هدایتگر و ابعاد وجودی‌اش را نشانسد، امکان کمتری از زاویه‌نگاهی اجتماعی و تمدنی به پیروی از او وجود خواهد داشت.

نوشته پیش‌رو تلاشی برای تاباندن نور بر محیط پیشین و وضعیت کنونی حول «سیره» و «سیره‌پژوهی» است؛ موضوعی که صدای آن در میان صداهای دیگر حوزه‌های علمی و دانشی از فقه و حدیث گرفته تا فلسفه و کلام، گم شده است و برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های آن و هرگونه قضاوت نسبت به چیستی و جایگاهش، باید از زاویه‌نگاه انتقادی، شناخته شود. این نوشته برای مخاطبان، ترسیمی اولیه و البته پرمعنا برای آگاهی از برخی فراز و فرودهای پرداختن اندیشمندان، محققان و دغدغه‌مندان به سیره و سیره‌پژوهی خواهد بود، اما برای نویسنده، گامی ضروری و مقدمه‌ای برای سخن به میان آوردن از تأسیس حوزه‌دانشی مستقل در علوم اسلامی یعنی «دانش سیره معصومان (علیهم‌السلام)» محسوب می‌شود؛ امری که در جلد دوم اثر و با عنوان «سیره‌پژوهی؛ جایگاه علمی و ظرفیت‌های آن» بدان پرداخته شده است.

البته اکنون و پس از پایان متن پیش‌رو، تأکید می‌کنم که طرح این سخن، دشواری‌های خاص خود را دارد. این دشواری نه به دلیل امکانات و ظرفیت‌های ما، بلکه به خاطر کم توجهی‌ها به لزوم تحول در ساختار و سازوکار بهره‌مندی از علوم و معارف اسلامی است. ما نیازمند بازخوانی‌ها و بازاندیشی‌ها مبتنی بر نیاز زمانه هستیم. به‌طور کلی از محققان حوزه‌های علمیه، انتظار می‌رود تا تلاشی متمرکز و فعال، برای مواجهه درجه ۲ با علوم اسلامی و روند طی شده، آگاهی از فراز و فرودها با نگاهی کل‌نگر، آسیب‌شناسی‌ها و دستیابی به راه‌های عبور از موانع و تکمیل خلأها داشته باشند؛ انتظاری که تاکنون کمتر برآورده شده است؛ با این حال، نوشته حاضر گامی برای تحقق این نگاه خواهد بود در مورد آنچه امروزه گاه سیره‌پژوهی خوانده می‌شود و بهتر است بخوانیم. در طراحی اولیه برای نوشته پیش‌رو، تصمیم آن بود تا علاوه بر مطالعه گذشته و سابقه سیره‌پژوهی، نگاهی به آینده و افق پیش‌روی این حوزه و افقی که باید برای ارتقاء آن در نظر داشت، داشته باشیم، اما محدودیت صفحات چنین اجازه‌ای نداد؛

بنابراین، کتاب حاضر در میانه مسیر تحقیقاتی نگارنده و به مثابه یک مقدمه و آمادگی برای مطالعه فصلی دیگر ارائه شده است.

در پایان، تذکر دو نکته ضروری است. نخست اینکه، ورود کل نگر به حوزه سیره معصومان (علیهم السلام)، خود آغازی برای دستیابی به دهها موضوع و مسئله پژوهشی در راستای غنابخشی به ادبیات این حوزه بود. همانطور که صورت اکتشافی نوشته حاضر ایجاب می کرد در میانه بررسی ها، نویسنده از عمق برخی موضوعات و وسعت کار مورد نیاز برای تبیین آنها مطلع شده و با توجه به محدودیت صفحات، صرفاً به توضیح کوتاهی از آنها در حد ضرورت پرداخته باشد. از این زاویه، کتاب حاضر خبر از دهها موضوع جدی پژوهشی برای شناختن بهتر و بیشتر عرصه مورد نظر می دهد و امید است که محققان بیش از پیش و برای پاسخ به این مسائل از منظر نگاه درجه ۲ بکوشند.

نکته دیگر، چنانکه اشاره شد، این است هدف نگارنده طرح تاریخ آثار و تحقیقات در یک موضوع نبوده و بررسی ها موقوف به ایفای نقش شواهد در مسیر آینده این حوزه دانشی را مدنظر قرار داده است. از این جهت، کم و کیف شواهد درباره پیشینه، وضعیت کنونی، تا حدی که به این مسیر کمک کند، مورد توجه بوده؛ هرچند چاره ای از تبیین مفصل و یا اشاره به نقاط عطف و تاثیرگذار نبوده است و بنابراین، می تواند در آمدی بر تبیین تاریخ این حوزه نیز دانسته شود.

از همکاری و همراهی مسئولین مراکز پژوهشی و کتابخانه های فعال در حوزه علوم انسانی و اسلامی و همچنین استادان حوزه و دانشگاه و محققانی که در این مسیر نگارنده را یاری نمودند و امکان طرح نام آنان در این مجیزه نیست، تقدیر و تشکر می کنم. در پایان از مدیر محترم گروه، جناب حجت الاسلام رمضان محمدی و از ناظر محترم طرح، جناب حجت الاسلام دکتر حسین عبدالمحمدی، که نظرات مفید و پیش برنده ای را گوشزد نمودند، بسیار سپاسگزارم. امیدوارم خداوند متعال به پاس همراهی خالصانه تمامی بزرگواران، نوشته حاضر را مفید و پرثمر قرار دهد؛ بفضل و مئه.

تمام لطف نوشته حاضر به این است که گامی کوچک به سوی معرفت و تبعیت جامعه از رسول خدا ﷺ و آل او باشد و حال که پایان نگارش نوشته پیش رو با سالروز مبعث رسول اکرم ﷺ همزمان گردید، نگارنده - که خویش را صاحب اثر نمی داند و تماماً به لطف حق تعالی قلم زده است - به سهم بی مقدار خویش و مسرور از این حسن ختام، نوشته را به محضر مبارک حضرت محمد مصطفی ﷺ تقدیم می کند.

اللَّهُمَّ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَبَكَرَامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ (الْعَظِيمِ) الْأَعْلَى أَنْزَلْتَهُ صَلِّ عَلَى مَنْ فِيهِ إِلَى عِبَادِكَ أَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ أَخْلَلْتَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَلَنَا دُخْرًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا وَاجْتِمِ لَنَا بِالسَّعَادَةِ إِلَى مُنْتَهَى آجَالِنَا وَقَدْ قَبِلْتَ الْيُسَيْرَ مِنْ أَعْمَالِنَا وَبَلَّغْتَنَا بِرَحْمَتِكَ أَفْضَلَ آمَالِنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

روح الله توحیدی نیا

مبعث ۱۴۴۶

فصل اول

کلیات

۱-۱. بیان مسئله و اهمیت پژوهش

آموزه‌های اسلامی، به معنی معارفی که منتسب به دین اسلام هستند، شاکله و سازه‌های گوناگونی دارند و از جهت کیفی در دسته‌های متعددی قابل معرفی‌اند. برخی از این دسته‌بندی‌ها براساس حیطه تخصصی و به مرور زمان شکل گرفته و عنوانی یافته‌اند. به تدریج محققان و اندیشمندان را به گرد خود درآورده و با آثار خویش، به جایگاه رشته‌ای خود قوام بخشیده‌اند. معارف در هر یک از سازه‌های آموزه‌ای مبتنی بر محک‌های مستحکم و قابل دفاع روزه‌روز مستحکم‌تر شده است. علم حدیث، علم تفسیر و...، سازه‌هایی هستند که ریشه‌ای بسیار مستحکم دارند و اکنون به حوزه‌های معرفتی تنومندی تبدیل شده‌اند. عرصه‌ها و مسیرهایی را ایجاد کرده‌اند و با گذشت بیش از هزار سال، همچنان محققان و اندیشمندانی به گرد آن می‌چرخند و به پویایی و غنای آن می‌افزایند. حیات این سازه‌ها آیا ابدی است؟ کارآمدی آنها به شکل کنونی، صورتی ابدی خواهد داشت؟ ارتباط این سازه‌ها با یکدیگر به شکل موجود باقی خواهد ماند؟ این‌ها پرسش‌هایی است که باید در آن تامل بیشتری کرد.

گذشته از مسیری که علوم و معارف اسلامی تا زمان حاضر طی کرده‌اند، بررسی‌ها به خوبی نشان می‌دهد که تمامی آموزه‌های ما چنین صورتی ندارد. چه بسا آموزه‌هایی که ما هنوز آنها را در ضمن سازه‌های قوام‌یافته پیش‌گفته قرار داده، از آنها سخن می‌گوییم و آنها را به کار می‌گیریم، اما گاه و بی‌گاه از خواص و ویژگی‌های منحصر به فرد آنها نیز سخن به میان می‌آوریم. از این آموزه‌ها به عنوان «معارف دسته دوم» نام می‌بریم. البته ساختار علم و معرفت به عنوان اعتباری که به دست جمعی از انسان‌ها شکل گرفته، صورتی سخت و مستحکم دارد و

تغییر در آن بسیار دشوار است؛ و البته نیک می دانیم که هر تغییری لزوماً پیش برنده نیست. همین امر سبب می شود تا «معارف دسته دوم»، همچنان در همان ظرف و قابلیت های پیشین به حیات نظری خود ادامه دهند. بسیار دشوار است که بخواهیم بر یک مفهوم، یک مسئله، یک موضوع و یک بحث کلان، زمانی که مدت ها در ضمن یک ساختار مورد توجه قرار گرفته و ادبیات علمی و گفتگوهای علمی میان این موارد و اساس حوزه معرفتی ارتباط برقرار کرده باشد، فارغ از روابط درونی که با دیگر معارف دارد، متمرکز شویم؛ با این حال تمام آنچه گفته شد مانع نمی شود که تلاش خود را به کار گیریم و آنچه را احتمال می دهیم بتواند در شکل و صورتی دیگر قوام یافته، حیات یابد، بکاویم. «معارف دسته دوم» در حقیقت به ما چنین نویدی می دهند که می توانیم به سوی تحول در سازوکار اندیشه اسلامی با وجود اتکا به مبانی قطعی اسلام، حرکت کنیم. از این زاویه، «معارف دسته دوم» صورتی مستعمل و کارکرده دارند، اما دست دوم به معنی چیزی که شأنی پایین تر از دیگر سازه های دانشی داشته باشد، نیستند. به عکس، اگر به آنها بها داده شود و صاحبان دیگر سازه های دانشی، حیات و تحقق مستقل آن را در مواجهه خود تسهیل نمایند، این معارف نقش شتاب دهنده به دیگر سازه ها را نیز ایفا خواهد کرد.

«سیره» آیا صورتی دارد و از «معارف دسته دوم» است؟ چه بسا شاکله ای از این آموزه در ساخت کلی علوم و معارف اسلامی دیده می شود که احتمال می رود بتوان در مورد آن تجدیدنظری جدی داشت. شاید پرسیده شود که چرا چنین احتمال و برداشتی در مورد سیره وجود دارد و کاویدن آنچه حول سیره شکل گرفته چگونه می تواند به ما کمکی کند. پاسخ به این پرسش دشوار و نیازمند گفتگوی بیشتر است.

این احتمال برآمده از مجموعه ای از مطالعات و تأملات روی پدیده ها و برقراری نسبت های ذهنی میان آموزه ها است که برآیند آن می تواند دید بازتری را به وجود آورد. نگارنده در بررسی های خود چنین یافته، نشان می دهد که در هنگام بهره مندی از مفهوم سیره، حرکتی معلق داریم و در بهترین حالت با توجیهاتی آن را فرا گرفته ایم یا آموزش داده ایم. آنچه از آن سخن می گوئیم بیشتر حالت ابزاری یافته است و قدرت لازم برای ارتباط با دیگر اجزاء هموند خویش را ندارد. از طرف دیگر متوجه شده ایم که گروه ها و مذاهب گوناگون به سیره پرداخته اند و حرکت های مقطعی و منفصلی را در مورد آن داشته اند و شاید بهره ای را که گمان می کردند،

نگرفته‌اند، درحالی‌که تأملات ما می‌گوید سیره ظرفیت و توان بالایی در نگاه شیعی دارد که از آن غافل بوده و هست. ما دریافته‌ایم که چگونه یک مفهوم می‌تواند از معنای حقیقی خود دور و به آن نزدیک شود و در طول زمان محدوده معنای آن باز و بسته گردد.

شک و تردید علمی در مورد یک امر می‌تواند وابسته به نوع آگاهی پیشین درباره آن باشد، اما این تنها یک بخش است و فهمی که از آموزه‌های ائمه (علیهم‌السلام) با لطف خود آنان به دست می‌آید، گاه ما را بر آن می‌دارد که محدودیت‌های پیش‌روی آموزه‌های اسلامی برای ارائه معرفت حقیقی به جامعه انسانی را از بین ببریم؛ و در مورد سیره به نظر می‌رسد ما آن را به دست خود گرفتار محدودیت‌هایی کرده‌ایم؛ بنابراین، اگر سیره آموزه‌ای اسلامی است که از یک‌سو آن را مطابق ضوابط و قواعد مشخص مشاهده نمی‌کنیم، اما در عین حال، حرکتی صعودی را در توجه محققان و به کارگیری آن مشاهده می‌کنیم و از سوی دیگر مشاهده می‌شود که نسبتی میان رسالت ما در معرفی ائمه هدی (علیهم‌السلام) و شاکله فهمیده شده و قابل ارتقاء وجود دارد، این منطق را برای تأمل و نظورری درباره سیره به دست می‌دهد. با این حال طرح دو منظرگاه به سیره می‌تواند این منطق را کامل‌تر سازد.

از یک منظر، امروزه تحقیقات متعدد و متنوعی با این عنوان منتشر می‌شود. در اغلب این تحقیقات یا نام مبارک ائمه هدی (علیهم‌السلام) یا عنوانی از حوزه‌های معرفتی و سپس نام ائمه هدی (علیهم‌السلام) اضافه می‌گردد و موضوعات متعدد و متنوعی به وجود می‌آید. همچنین، این تحقیقات از سوی محققان در حوزه‌ها و رشته‌های گوناگون انجام می‌شود و هریک از محققان مبتنی بر مفاهیم و ادبیات علمی خاص بدان می‌پردازد و گاه نیز بررسی‌ها با همکاری یک یا چند پژوهشگر و محقق در حوزه‌های متعدد انجام می‌شود. این تحقیقات اهداف گوناگونی را نیز دنبال می‌کند. گاه مشاهده می‌کنیم که در تحقیقات، هدف پاسخ به مسئله‌ای است که چهره روشن‌تری از یک امام را در مورد واقعه‌ای نمایان می‌سازد و گاه هدف پاسخ به یک مسئله در زمانه حاضر است. محققان بارها و بارها برای اطمینان بخشی به متفکران یا جامعه مخاطب خود درباره اینکه در خط و مسیر اهل بیت (علیهم‌السلام) حرکت می‌کنند، پاسخ به مسئله خویش را تحت این عنوان بیان می‌کنند. ما خود می‌توانیم بخشی از این نوع تحقیقات باشیم و البته بوده‌ایم. یعنی بارها و بارها با به کارگیری مضاف الیه برای سیره و همچنین از جانب رشته‌ای یا در همکاری با دیگران و همچنین با اهداف متعدد و متنوعی به سیره پرداخته‌ایم.

اما می‌توانیم مواجهه خود را تغییر دهیم و اگر این تحقیقات بر روی یک زمین و سطح صورت می‌گیرد؛ از این سطح بالا و بالاتر رویم. تا آنجا که بتوانیم مجموعه‌ای از مطالعات با این عنوان یا در ارتباط با این عنوان را با همه ابهامات و رشته‌هایی از سؤال که درباره آنها داریم، مشاهده کنیم. در چنین منظری، ما آنچه را قابل مشاهده است، «سیره‌پژوهی» می‌نامیم؛ یعنی پژوهش‌هایی که نسبتی با سیره دارد. فهم کاملی از انواع و اقسام نسبت‌ها نداریم و همین امر سبب می‌شود تا تعریفی هرچه شامل‌تر را به اقتضای کارمان مطرح کنیم.

اما این منظر برای مطالعه معارف سیره‌ای، به معنی هر آنچه از مباحث که ارتباطی صحیح یا ناصحیح با این عنوان پیدا می‌کند، کافی نیست؛ به‌ویژه آنکه ما متوجه پیشینه و سابقه‌ای برای این مفهوم می‌شویم. ما باید متوجه باشیم که هیچ مفهوم و معرفت خود به خودی در جهان علم و دانش وجود ندارد. ممکن است امروز گروهی گرد هم آیند و برای نخستین بار مفهومی را به وجود آورند و از آن اراده‌ای کنند، اما بخشی از آنچه به این مفاهیم حیات بخشیده، اراده گروه است و اراده در پشت خود فکر و فهم و ذهنیت نسبت به موضوعات را دارد و این ذهنیت‌ها ریشه‌هایی از گذشته دارد؛ هرچند معتقد باشیم که دریافت‌ها یا استعدادهای علمی دیگری نیز نقش داشته است، اما گاه وجود این سابقه و پیشینه در متن گذشته، هویدا و قابل مشاهده است. آیا مفهوم سیره چنین صورتی دارد؟ چنین امری را امروزه می‌توان از میراث به جای مانده از اندیشمندان و مؤلفان مسلمان و شیعه استفاده نمود؟ اینگونه پرسش‌ها سبب می‌شود تا خود را در ادامه یک مسیر بینیم و با جدا کردن خود از سطح، نگاهی به گام‌های طی شده اندیشمندان مسلمان داشته، به چگونگی توجه آنان به سیره نیز اهمیت دهیم. در اینجا برخلاف منظر نخست، ما ضمن توجه به اکنون، تلاش نمی‌کنیم تا گذشته را با آن بسنجیم یا درصدد برقرار کردن ارتباط با آن یا اثبات هماهنگی سازوکار کنونی پرداختن به سیره با گذشته باشیم. در این منظر، هدف، مشاهده فراز و فرود دسته‌ای از آموزه‌ها حول محور سیره است.

نتایج تحقیق و بررسی‌هایی که از این دو منظر به دست خواهد آمد، به نظر، این امکان را می‌دهد تا بتوانیم در مورد سیره‌پژوهی با اطمینان بیشتری سخن بگوییم و هدف اصلی نوشته حاضر را در افق پیش روی این حوزه دنبال کنیم. شناخت سابقه معارف مرتبط با سیره و ملاحظه وضعیت کنونی آن برای نخستین بار از منظر شیعه و به نحو تفصیلی صورت می‌گیرد و طبیعی است که بتوان طرح و پیشنهادی برای مسیر پیش‌روی بهره‌مندی از این صورت، شاکله، آموزه یا

هر عنوانی که برای خطاب قرار دادن آن مطرح شد، داشت. بر مبنای آنچه گذشت مسئله اصلی نوشته حاضر این است که «سیره پژوهی» از چه سابقه و وضعیتی برخوردار است.

باید اشاره نمود که سیره پژوهی در اصطلاح رایج به پژوهش‌های کنونی مربوط می‌شود و برای آنچه مربوط به سابقه منابع تدوین شده در این حوزه است، از تعبیر سیره نویسی یا سیره نگاری استفاده می‌شود. البته جا دارد تا اشاره نماییم بسیاری از آثار مربوط به سیره نگاری یا سیره پژوهی، عنوان سیره را در خود جای نداده یا حتی تنها بخشی از اثر را به خود اختصاص داده است. البته امروزه نگاه تثبیت شده‌ای در مورد قلمرو سیره و سیره پژوهی وجود ندارد و چه بسا آثاری که مباحث و مطالبی ناظر به شخصیت، جایگاه و حیات و رفتار پیامبر ﷺ یا اهل بیت (علیهم السلام) در خود جای داده است چه در گذشته تألیف شده باشد و چه در دوره معاصر، «سیره نویسی» خوانده شده است. نکته دیگر آنکه با وجود بار معنایی که «پژوهی» در اطلاق به تحقیقات علمی و نظام مند دارد، با تسامح در مورد تمامی آثار به کار می‌رود و چنانکه اشاره شد، بیش از آنکه به یکایک آثار اشاره داشته باشد، به پهنه‌ای وسیع از مطالعات زمانه ما اشاره دارد.

در پایان جا دارد تاکید شود که نوشته حاضر بر سیره پژوهی تمرکز خواهد داشت و نه تاریخ و تاریخ نگاری. البته در طول بررسی‌ها روشن می‌شود که چه حجمی و با چه کمیت و کیفیتی، این دو با یکدیگر عجین شده، گاه در معنای یکدیگر به کار رفته‌اند، اما بی تردید، اگر بنای بر نگارش در مورد ابعاد دانش تاریخی یا تاریخ نگری و تاریخ نگاری بودیم، ساختار و محتوایی متفاوت از نوشته حاضر طراحی می‌شد. چه آنکه تاریخ شناسی به عنوان یکی از علوم انسانی پیشینه و چارچوب روشنی دارد و از مبانی، نظریات، مفاهیم و... و به طور کلی ارکان یک علم جا افتاده برخوردار است. این تاکید در مورد دیگر علوم انسانی و اسلامی نیز که گاه خود را متکفل بحث از سیره دانسته‌اند یا برای دوره‌ای بدان علاقه مند شده‌اند نیز صدق می‌کند. تاکید بر این موضوع به جهت روشن شدن تلاش برای نگاه به یک نقطه مرکزی و پیرامون آن، فارغ از علوم و دانش‌های موجود است؛ هرچند که ممکن است به دلایل گوناگون و به فراخور نیاز، سیره سوار و جاری بر دانش‌ها و گاه، گرفتار برخی دانش‌ها و محدود به آنها شده باشد. نکته دیگر آنکه نوشته حاضر بر سیره پژوهی و نه سیره پژوهان، تمرکز خواهد داشت. به عبارت دیگر، محدودیت‌های تحقیق کمتر اجازه می‌داد که جز در موارد ویژه، در شخصیت‌ها و ابعاد مبانی و دیدگاه‌های شان در حوزه سیره وارد شویم.

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

مقصود از مبانی نظری در اینجا، اشاره‌ای به چگونگی مواجهه با یک حوزه شناخت و مطالعه (سیره‌پژوهی) خواهد بود. در بیان مسئله تحقیق گذشت که نوشته پیش‌رو از طریق توصیف و تحلیل تاریخی و به دنبال آن نگاهی انتقادی، در جستجوی فراهم آوردن مقدمات تحول در یک عرصه معرفت‌بخش، از طریق بازخوانی مجدد سرگذشت آن از یک‌سو و ظرفیت‌های پیش‌روی آن، از سوی دیگر است. بر این اساس در بخشی از پژوهش، نگاهی فرایندی به آنچه در ارتباط با سیره است، با عنایت به قیود زمانی و مکانی و به‌ویژه نقاط تأثیرگذار، خواهیم داشت؛ به عبارت دیگر، می‌دانیم که ابعاد یک بررسی از منظر رویکرد مورخان علم در معنای وسیع خود از پیشینه‌ای برخوردار است و از این زاویه، رویکردی را برگزیده‌ایم که نه به دنبال طرح نگاهی شکلی و توصیف صرف از یک روند، بلکه در صدد مواجهه‌ای مبتنی بر تسلط فنی و محتوایی بر موضوع مورد بررسی است.

بر این اساس، به هنجارهای غالب زمانه که موجب تحولاتی در کم و کیف پرداختن به «سیره» شده، توجه ویژه خواهد شد. مقصود از هنجارها، عموماً مواردی است که جامعه علمی یا نویسندگان، آنها را به عنوان مفروض در نظر گرفته‌اند؛ با این حال، این به معنی در نظر نداشتن قواعد و معیارهای سنجش حرکت صورت گرفته نیست. از این زاویه، البته بررسی‌ها بسیار دشوار خواهد بود. چه آنکه معرفت و دانش، اساساً صورتی پیچیده و تودرتو دارد؛ به این معنی که خود حوزه معرفتی، از ابعاد گوناگونی برخوردار است و ارتباطی که هریک از این ابعاد با عناصر معرفتی کلان یا خرد بیرونی دارد، فهم آنها را دشوار می‌سازد. از این جهت روشن است که اگر به دنبال تحول باشیم، ناهمگونی‌ها در ساخت و چارچوب توجه به سیره در دوره‌های گوناگون برای ما از ارزش زیادی برخوردار است و در حقیقت این ناهمگونی‌هاست که ما را به فکر چاره و راه‌حلی برای ادامه مسیر خواهد انداخت.

برای اجرایی شدن این رویکرد، تمهیداتی اندیشه شده است. مهم‌ترین اقدام این خواهد بود که خط سیر کلی از آنچه در ارتباط با سیره وجود دارد، با نگاهی به پیش از آغاز دوره اسلامی تا زمانه حاضر نشان داده شود. در این خط سیر، گاه متوقف شده، به لایه‌ها و گونه‌های متعدد مباحث مربوط به سیره و به بحث و گفتگوی بیشتر درباره آنچه نقطه عطف در یک مقطع است، می‌پردازیم. این نوع نگاه بدین منظور است که بدانیم سیره چرا و چگونه مورد نظر اندیشمندان

یا مولفانی بوده یا نبوده است و آیا در مسیری که باید (از منظر شیعی و با هدف متعالی انتظار می‌رفته)، حرکت کرده است. اگر چنین نبوده، چه موانع و چالش‌هایی سبب انحراف یا عقب‌ماندگی شده است. به‌طور کلی، درک ناهنجاری‌ها در معرفت، نشان می‌دهد که از چه ناحیه‌ای و چرا در مسیر کنونی قرار گرفته‌ایم و چرا ادامه روند کنونی قابل تحول نیست. نارسایی‌ها خود را نشان می‌دهند و امکان‌های تازه فرصت ظهور و بروز پیدا می‌کنند. لازم به ذکر است که از ملزومات چنین تحقیقی طرح پرسش‌هایی است که مخاطبان را به تأمل وادار می‌دارد و در موارد متعدد پاسخ صریحی بدان داده نشده یا پاسخ‌ها آنچنان که باید قانع‌کننده و مستحکم به نظر نمی‌رسد.

لازم است به چند نکته، هرچند پراکنده، برای پرسش‌های احتمالی که در ذهن خوانندگان محترم به وجود می‌آید به اجمال پاسخ دهیم. اگر پرسیده شود که نگاشته حاضر چگونه خود را در حیطه تاریخ علم و تفکر تعریف می‌کند، درحالی که «وضعیت کنونی»، به یک حوزه از مطالعه توجه کرده است، باید گفت تاریخ علم، رسالت خویش را در دوره‌های تاریخی چنان گسترده تعریف می‌کند که شامل تاریخ معاصر نیز می‌شود؛ چرا که ارزش این نوع از مطالعه به نسبتی است که با دوره معاصر دارد و توانی است که برای تحوّل در نگاه به آینده، به دست می‌آورد. پرسش دیگری که باید بدان پاسخ داده شود آن است که آیا منظر و نگاه تاریخی به معنی آن است که وجوه فنی و تخصصی علم و آگاهی موردنظر، واکاوی نشود و صرفاً توصیفی از اطلاعاتی که درباره گذشته وجود دارد، توصیفی ارائه شود. این دیدگاه هرچند مورد قبول بسیاری تاریخ دانان علم بوده و هست، اما در عین حال، بسیاری نیز خالی بودن نگاه فنی و تخصصی را به عنوان یکی از نقدهای جدی به بسیاری آثار در این حوزه مطرح نموده‌اند؛ و چه بسا اندیشمندانی که با نگاهی استقرایی به آنچه در تاریخ و نوع تفکر و فعالیت علما و محققان گذشته است، مسئله آفرینند و بر اساس این مسئله در مسیرهای حرکت علم تجدید نظر کرده، حتی تجربه‌های تاریخی را در قالب آموزه‌های عام، صورت‌بندی می‌کنند. بر این اساس موضوع بررسی‌های کنش انسان و به‌ویژه تفکر او است، اما این بررسی در یک بازه طولانی مشاهده و ترسیم می‌گردد و قدرت و توان بیشتری برای تغییر در هر حوزه از علم و آگاهی را در اختیار می‌گذارد.

البته آنچه گذشت به معنی این نیست که نوشتار حاضر توانسته است جویباری روان و در حال حرکت را از سرچشمه خود تا محل ریزش پایانی‌اش نشان دهد و به دلیل محدودیت‌ها، محوریت

را بر نقاطی موثر در روند و سیر «سیره» و «سیره‌پژوهی» قرار داده است. از آن مهم‌تر، چنانکه پیش‌تر اشاره شد، ما با یک علم یا یک حوزه دانشی مشخص روبه‌رو نیستیم؛ چنانکه امروزه گاه به عنوان شاخه‌ای از مباحث تاریخ اسلامی، گاه در ضمن و یا به عنوان مکمل مباحث حدیثی، گاه به عنوان بخشی از بررسی‌های مربوط به فکر اسلامی و گاه بررسی‌های کلامی، گاه به عنوان بخشی از معارف قرآنی و... مورد توجه قرار می‌گیرد. معنی این سخن آن است که آنچه در بررسی، ضمن تاریخ علم طلب می‌کنیم، لزوماً در اینجا مدنظر قرار نمی‌دهیم، اما یک پرسش به شدت ما را به این دست از بررسی‌ها نزدیک می‌کند. چرا سیره به عنوان یک علم محوری محل بحث و سخن مسلمانان و به‌ویژه شیعیان قرار نگرفت؟ گمان می‌کنیم طرح این مسئله نباید کوچک انگاشته شود. به این پرسش البته شاید به شکل محوری در مجلدی دیگر توجه شود، اما نوشته حاضر برای مقدمه‌چینی در پاسخی تفصیلی به آن نیز، ایفای نقش خواهد کرد.

۳-۱. پیشینه پژوهش

چیستی و ابعاد یا گذشته و وضعیت کنونی سیره‌پژوهی همواره از موضوعات محل تامل محققان بوده است، اما کمتر تلاش شده است تا به مجموعه ابعاد آن توجه شود؛ بنابراین، از این جهت که نگاهی شامل و کلی به ابعاد سیره‌پژوهی شود، آثار قابل توجهی پیش روی ما قرار ندارد، اما فراوانند آثاری که به بخشی و محدوده‌ای از مباحث از زاویه درجه ۲ پرداخته‌اند و در ادامه به چنین مطالعاتی اشاره خواهد شد. البته آنچه ذکر می‌شود خود به عنوان بخشی از ساختمان فعلی سیره‌پژوهی قابل تحلیل است، اما در اینجا صرفاً به عنوان پیشینه تحقیق و روشن شدن پیشرفت‌ها و به‌ویژه خلأها در شناخت سیره‌پژوهی بدان توجه می‌شود.

۱-۳-۱. سیره و سیره‌نگاری

پیش‌تر باید اشاره کرد که درباره خود مفهوم و انگاره «سیره»، پژوهش درخوری از منظر شیعی، صورت نگرفته است و در آثار نیز بیشتر به معانی لغوی و برخی از تعریف ناپایدار اصطلاحی اشاره می‌شود، البته در برخی دایره‌المعارف‌ها تحت عنوان «سیره» یا موارد مشابه، مداخلی مشاهده می‌شود، اما از آنها نیز نمی‌توان انتظاری بیش از این داشت؛ بنابراین، باید دانست که ما نیازمند بررسی بیشتر درباره خود مفهوم سیره هستیم. با وجود انبوهی از اطلاعات در منابع که چند و چون کاربرد و

استفاده از این مفهوم را در معنای رایج و غیررایج نشان می‌دهد، کمتر به این امر پرداخته شده است. با این حال در میان اهل سنت در خلال برخی آثار دربارهٔ مباحث سیره به این موضوع توجه شده است که برای نمونه می‌توان به بررسی‌هایی که احسان عباس در «فن السیره»^۱ و عبودی نصار در «تطور كتابة السيرة النبوية عند المؤرخين المسلمين حتى نهاية العصر العباسي»^۲ داشته‌اند، اشاره نمود. همچنین در برخی متون ادبی به اقتضای بحث، گاه سخن از مفهوم سیره به میان آمده و بررسی‌هایی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به برخی توضیحات در کتاب «الفنون الأدبية وأعلامها في النهضة العربية الحديثة»^۳ از انیس مقدسی اشاره کرد.

با عبور از مفهوم سیره، پیشینهٔ تحقیق در دو بخش کلی قابل طرح است. نخست مطالعات درجه ۲ دربارهٔ آنچه سیره‌نگاری خوانده می‌شود. در این حوزه آثار بسیاری به زبان عربی منتشر شده است که برای نمونه می‌توان به آثاری که با تمرکز بر ابعاد نگارش‌ها دربارهٔ سیرهٔ پیامبر ﷺ منتشر شده چون «دراسة في السيرة النبوية و مؤلفها ابن اسحاق»^۴ «مصادر السيرة النبوية و تقويمها»^۵ یا آثاری که نظر به بخشی یا برخی ابعاد سیره‌نگاری دارد، چون «السنه قبل التدوين»^۶ «نظرة في حركة التأليف عند العرب»^۷ «مجموعه الوثائق السياسية العائد للعصر النبوي و الخلافة الراشدة»^۸ «علوم الحديث و مصطلحه»^۹ «بحث في نشأ التاريخ عند العرب»^{۱۰} و «بحوث في تاريخ السنه المشرفة»^{۱۱} اشاره کرد.

۱. احسان عباس. (۱۹۹۶م). فن السیره، بیروت: دارصادر.
۲. نصار، عبودی. (۲۰۰۵م). تطور كتابة السيرة النبوية عند المؤرخين المسلمين حتى نهاية العصر العباسي، بغداد: وزارة الثقافة و الأعلام. دارالشؤون الثقافية العامة.
۳. مقدسی، انیس. (۱۹۶۳م). الفنون الأدبية و أعلامها في النهضة العربية الحديثة، بیروت: دار العلم للملايين.
۴. الدورى، عبدالعزيز. (۱۹۶۶ق). دراسة في السيرة النبوية و مؤلفها ابن اسحاق، بغداد: مطبعة الهانی.
۵. حماده، فاروق. (۱۴۲۳ق). مصادر السيرة النبوية و تقويمها، دمشق: دارالقلم.
۶. خطیب، محمد عجاج. (۱۹۶۳). السنه قبل التدوين قاهره: مكتبة وهبه.
۷. طرايشی، جورج. (۱۹۵۶م). امجد نظره في حركة التأليف عند العرب، دمشق: مطبعة الجامعة.
۸. محمد حميد الله. (۱۹۵۶ق). مجموعه الوثائق السياسية العائد للعصر النبوي و الخلافة الراشدة قاهره: دارالتأليف و الترجمة.
۹. صالح، صبحی. (۱۹۶۵م). علوم الحديث و مصطلحه بیروت: دارالعلم للملايين.
۱۰. الدورى، عبدالعزيز. (۱۹۶۰م). بحث في نشأ التاريخ عند العرب، بیروت: دار دمشق.
۱۱. عمری، اکرم. (۱۹۶۷م). ضیاء بحوث في تاريخ السنه المشرفة، بغداد: مطبعة الارشاد.

آثار در زبان فارسی نیز درباره سیره‌نگاری پرتعداداند. به جهت تقدم می‌توان از مقاله‌ای با عنوان «سیره و سیره‌نگاری» نوشته آیت الله سبحانی در سال ۱۳۶۴ یاد کرد، اما در مورد آثاری که نگاهی کلان به سیره‌نگاری داشته باشند، چند تحقیق حائز اهمیت است. باید از «علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی»^۱ یاد کرد که فصلی را به سیره‌نگاری اختصاص داده و علاوه بر بررسی احوال سیره نگاران، فهرستی از آثار را ارائه داده است. همچنین کتاب «منابع تاریخ اسلام»^۲ در فصلی به آغاز سیره‌نگاری، شخصیت‌ها و گونه‌های نگارش سیره چه در قرون نخستین و چه پس از قرن پنجم پرداخته شده است. همچنین باید از تحقیقاتی چون «سیره‌نگاری امامیه تا پایان قرن هفتم هجری: گونه‌ها و بینش‌ها»^۳ «بررسی تحول سیره‌نگاری در مغرب اسلامی از آغاز تا پایان قرن دهم هجری»^۴ و «نقد و بررسی مسائل سیره‌نگاری نبوی در عصر صفوی»^۵ یاد کرد. در پژوهش‌هایی نیز تلاش شد تا نقش شیعه نیز در تدوین آثار در باب سیره نبوی بیشتر نمایان شود؛ که برای نمونه مقالاتی چون «شیعه پیشگام در سیره‌نگاری جایگاه جابر بن عبد الله انصاری در سیره‌نگاری»^۶ «اصحاب امامان شیعه و سیره‌نگاری»^۷ و «یونس بن بکر از پیشگامان شیعه در سیره‌نگاری»^۸ از آن جمله‌اند.

در عموم این آثار، به سیره نبوی توجه شده است و ما به تدریج شاهد آثاری هستیم که در دو دهه گذشته به سیره‌نگاری درباره ائمه معصومان (علیهم‌السلام) نیز توجه ویژه کرده‌اند؛ که برای نمونه در مجموعه مقالات همایش بین المللی نقش شیعه در شکل‌گیری و گسترش علوم اسلامی،^۹

۱. آینه وند، صادق. (۱۳۸۷). علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲. جعفریان، رسول. (۱۳۹۳). منابع تاریخ اسلام، تهران: نشر علم.

۳. عالمی، محمدرضا. (۱۳۹۷). رساله دکتری، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (علیه‌السلام).

۴. کریمی منجرمویی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی تحول سیره‌نگاری در مغرب اسلامی از آغاز تا پایان قرن دهم هجری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام).

۵. میرآقاسی، سیده فاطمه. (۱۴۰۱). رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

۶. هدایت پناه، محمدرضا، مطالعات تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۹۲.

۷. حسینیان مقدم، حسین؛ منتظر القائم، اصغر و چلونگر، محمدعلی. (۱۳۹۲). اصحاب امامان شیعه و سیره‌نگاری، شیعه شناسی، دوره ۱۱، ش ۴۲، صفحه ۷-۴۲.

۸. مرادی نسب، حسین، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۲۴، ۱۳۹۴.

۹. جمعی از نویسندگان، انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۴۰۰.

مقالاتی به این مهم اختصاص یافته است. همچنین برخی از تحقیقات توجه ویژه‌ای به نگارش‌های شیعی داشته‌اند و البته در ضمن عناوین تاریخ‌نگاری به مفهوم سیره نیز توجه داشته‌اند، که می‌توان به تحقیقاتی چون «نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»^۱ نوشته رسول جعفریان، «تاریخ‌نگاری شیعیان»^۲ اثر محمد رضا ناجی در دانشنامه جهان اسلام، «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»^۳ نوشته منصور داداش نژاد و «تاریخ‌نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم»^۴ نوشته علی امامی فر و «منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم»^۵ نوشته محمدرضا هدایت‌پناه اشاره کرد.

اما در دو دهه اخیر آثاری به شکل تخصصی‌تر دوره‌های کوتاهی را با عنایت به شخصیت‌ها، موضوعات، انگیزه‌ها و ... در سیره‌نگاری نگاشته شده‌اند و ویژگی آنها نگاه تحلیلی و نقادانه‌ای است که به آثار دارند. برای نمونه می‌توان از «تطورشناسی سیره‌نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان (علیهم‌السلام)»^۶ یاد کرد که به دلیل تمرکز بر آثار اصحاب ائمه هدی (علیهم‌السلام) و پرداختن به زمینه‌های شکل‌گیری آثار، گونه‌شناسی آثار و در برخی موارد مقایسه جریان‌های سیره‌نگاری، می‌تواند گامی در معرفی اهمیت سیره برای شیعه در عصر حضور دانسته شود. اثر دیگر کتاب «تحول سیره‌نگاری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نزد مورخان مسلمان تا پایان عصر عباسی»^۷ است؛ که پس از بحثی مختصر درباره شکل‌گیری و چارچوب کلی سیره نبوی، نویسنده ابتدا نخستین نگاشته‌ها را که منجر به شکل‌گیری منابع جامع در این حوزه شده، بررسی کرده است؛ سپس به زوایای نگارش سیره کامل و مستقل درباره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و تحولات آن در قرون دوم تا هفتم پرداخته است و در نهایت نیم‌نگاهی به تصانیف مستقل درباره برخی حوادث سیره و تک‌نگاری‌ها در این حوزه داشته است. نوشته عمار عبودی نصار را می‌توان یکی از آثاری دانست که

-
۱. آینه پژوهش، شماره ۴۱، ۱۳۷۵.
 ۲. دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۱۲۴ - ۱۳۳.
 ۳. نامه تاریخ پژوهان، تابستان ۱۳۸۶.
 ۴. نشر پارسیان، ۱۳۸۳.
 ۵. هدایت‌پناه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۴۰۲.
 ۶. حسینیان مقدم، حسین، تطورشناسی سیره‌نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان (علیهم‌السلام)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
 ۷. نصار، عمار عبودی محمدحسین، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰.

نزدیک‌ترین اثر به نوشته حاضر از جهت پیشینه تحقیق دانسته می‌شود، با این تفاوت که محدود به گذشته این حوزه آن هم تا دوره عباسیان است، تنها به سیره پیامبر ﷺ آن هم بیشتر به آثار اهل سنت پرداخته و با نگاهی توصیفی و کمتر نقادانه به آثار توجه داشته است.

درباره این دست آثار که تعداد آنها در سال‌های اخیر بیشتر شده است، به دو نکته را باید توجه کرد. نخست آنکه ما همچنان به نگاهی فراگیر به مجموعه آثاری که از ابتدا تا زمانه حاضر شکل گرفته، البته با اولویت و نیازی که تشیع دارد، احساس نیاز می‌کنیم. اینکه آثار به‌طور کلی درباره پیامبر ﷺ و همچنین ائمه (علیهم‌السلام)، آثار از چه زمانی در چند دوره و گونه شکل گرفته است. در عین حال اینکه این آثار از چه ویژگی‌هایی از منظر علمی برخوردار است، بسیار مهم است. به‌ویژه از جهت اعتبار و محتوا، این آثار باید بازخوانی شود تا بتوان فهمید ما با چه پشتوانه‌ای برای سیره‌پژوهی در دوره معاصر روبه‌رو هستیم.

نکته دوم آنکه، در عین کمک قابل توجهی که آثار درباره سیره‌نگاری به شناخت روند نگارش‌ها درباره معصومان (علیهم‌السلام) می‌کند، اما این تنها توصیفی است از آنچه رخ داده است. کمتر تلاشی شده است تا میان آثار و نویسندگان و دغدغه‌های آنان با روزگار ما سخن به میان آید. پرسشی که ما برای فعال کردن این نوع نگاه خواهیم داشت این است که سیره‌نگاری چیست؟ چرا از هویت قابل ملاحظه و مستقلی در زمانه خود برخوردار نبوده است؟ چرا امروزه با نگاهی به گذشته، دسته‌ای از منابع را کنار هم قرار داده، به آنها وزنی مستقل می‌دهیم؟ آیا انگیزه‌ای پنهان و کمتر پرداخته شده در این زمینه وجود دارد؟

البته جا دارد اشاره شود که مسیر سیره‌نگاری شیعی، نسبتی وثیق‌تر با علوم حدیث داشته است و این امر سبب می‌شود تا مجموعه تلاش‌هایی که برای مطالعه شکل‌گیری مدارس حدیث و مجامع حدیثی صورت گرفته نیز، به عنوان بخشی از پیشینه نوشته حاضر مورد توجه قرار گیرد؛ که برای نمونه می‌توان به آثاری که به‌ویژه در دو دهه گذشته نگاشته شده اشاره کرد؛ چون «تاریخ عمومی حدیث»^۱، «تاریخ حدیث»^۲، «تاریخ حدیث شیعه»^۳ و «درآمدی جامعه‌شناختی بر ادوار علوم حدیث شیعه»^۴. همچنانکه چنین آثاری در حوزه علم کلام نیز از جمله پیشینه

۱. معارف، مجید، انتشارات کویر، ۱۳۸۵.

۲. مودب، سیدرضا، انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۶.

۳. طباطبایی، سیدمحمدکاظم، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۸.

۴. ابراهیمی پور، قاسم. (۱۴۰۱). درآمدی جامعه‌شناختی بر ادوار علوم حدیث شیعه، قم: موسسه امام خمینی (ره).

بخش‌هایی از نوشته حاضر تلقی می‌شود؛ که برای نمونه می‌توان از «مدارس کلامی شیعه»^۱ و سلسله آثاری درباره تاریخ مدارس کلامی مدینه، کوفه، بغداد، حله و...^۲ یاد کرد.

۱-۳-۲. سیره پژوهی؛ مسیری برای شناخت معصومان (علیهم‌السلام)

اما در مورد تحقیقاتی که درباره سیره پژوهی صورت گرفته، در یک نگاه اولیه می‌توان گفت مطالعات یا با هدف شناخت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه (علیهم‌السلام) صورت گرفته است یا درس‌آموزی از آنان. در بخش نخست، مطالعات بسیاری تحت عنوان سیره به نام حضرات معصومان (علیهم‌السلام) صورت گرفته است، اما از زاویه نگاه درجه ۲، کمتر نگاه و مواجهه‌ای انتقادی درباره این مطالعات انجام شده است. توجه شود که منظور از نگاه و تفکر انتقادی، نقد یک موضوع یا مسئله در درون سیره نیست و مقصود تلاشی فرانگر برای محک زدن روندها، رویش‌ها و کنش‌ها در بهره‌گیری از داده‌ها یا استدلال‌ها در ضمن سیره پژوهی است. در عین حال گاه هنگامی که نویسندگان به تامل درباره مجموعه‌ای از آثار مرتبط با سیره پرداخته‌اند، به این دست مباحث نیز اشاره‌ای هرچند گذرا داشته‌اند. چنین مباحثی را می‌توان ذیل عنوان نقد مطالعات سیره معصومان (علیهم‌السلام) دانست، اما در بین مباحث گاه به ابعاد گوناگون شکل‌گیری و تحول در سیره پژوهی نیز پرداخته شده است. از جهاتی می‌توان گفت بیشترین صورت از تامل در سیره پژوهی شیعی را می‌توان در لابه‌لای تحقیقاتی که با رویکرد انتقادی به بخش یا موضوعی از مطالعات پرداخته‌اند، مشاهده کرد. اکنون برای نمونه می‌توان از آثاری چون «نقد کتاب حیات محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)»^۳ نوشته عبدالله القصیمی، «ناسازواری‌های تاریخی سید جعفر مرتضی عاملی در الصحيح»^۴ نوشته حمید جلیلیان و سید محمد علی‌ایازی، «رهیافت‌های معاصر در پژوهش سیره نبوی»^۵ نوشته سید محمد حسینی، «سیره نبوی و سیره نگاران»^۶ نوشته صادق

۱. جبرئیلی، محمدصفر. (۱۴۰۰). مدارس کلامی شیعه، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲. این آثار را پژوهشگاه قرآن و حدیث به انجام رسانده است.

۳. القصیمی، عبدالله. (بی‌تا). نقد کتاب حیات محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، نشر احسان.

۴. جلیلیان، حمید؛ ایازی، سید محمد علی. (۱۳۹۲). ناسازواری‌های تاریخی سید جعفر مرتضی عاملی در الصحيح، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۴، ش ۱۲، ص ۹۷-۱۰۸.

۵. حسینی، سید محمد، رهیافت‌های معاصر در پژوهش سیره نبوی، آینه پژوهش. دوره ۸، شماره ۴۷ - شماره پیاپی ۴۷ آذر و دی ۱۳۷۶.

۶. آینه‌وند، صادق، سیره نبوی و سیره نگاران، خانه کتاب ایران، ۱۳۸۸.

آیین‌ه‌وند، «رویکرد الصحيح به سیره رسول خدا ﷺ»^۱ نوشته جمعی از پژوهشگران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، «خصائص المصطفی بین الغلو و الجفا» نوشته صادق بن ابراهیم، «لماذا کتاب مأساة الزهراء»^۲ نوشته جعفر مرتضی عاملی، «مجموعه مقالات شناخت و تحلیل قیام عاشورا»^۳ نوشته جمعی از محققان، «از عاشورای حسینی تا عاشورای شیعه»^۴ نوشته محمد اسفندیاری، «قیام امام حسین (علیه السلام) از دیدگاه اهل سنت»^۵ نوشته مهدی پیشوایی، «تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری»^۶ نوشته سید سعید روحانی، «بازشناسی حکومت ولایی»^۷ نوشته محسن صالح، «عنايات: نقد کتاب تیجانی»^۸ نوشته ابراهیم محمدی، «حقیقة المهدویه و الغیبه»^۹ نوشته یحیی عبدالحسین دوخی و «تحریف شناسی عاشورا»^{۱۰} نوشته جعفر مرتضی عاملی نام برد.

به این نوع بررسی‌ها باید آن دسته از تحقیقاتی که به شناسایی آسیب‌ها در آراء صاحب‌نظران در مباحث سیره پرداخته‌اند را اضافه کرد. در این آثار نیز گاه شاهد دیدگاه‌های کلی و بنیادین در مورد چند و چون سیره پژوهی هستیم. برای نمونه می‌توان از آثار ترجمه شده ای چون «منش پیامبر»^{۱۱} نوشته هشام جعیت، «اسلام میان حقیقت و تجلی تاریخی»^{۱۲} نوشته عبدالمجید شرفی، یا «محمد ﷺ»^{۱۳} نوشته کارل آرمسترانگ نام برد. در این بین می‌توان از آثاری – البته نه

۱. جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۰) رویکرد الصحيح به سیره رسول خدا، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. عاملی، جعفر مرتضی، دار الترجمة، بیروت – لبنان، تاریخ الإصدار، ۱۹۹۷م.

۳. جمعی از نویسندگان، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۰.

۴. اسفندیاری، نشر خیمه، ۱۳۹۳.

۵. درویشی، هادی. (۱۳۸۷). قیام امام حسین (علیه السلام) از دیدگاه اهل سنت، قم: انتشارات بنشاسته.

۶. روحانی، سید سعید. (۱۳۷۸). تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

۷. صالح، محسن. (۱۳۷۹). بازشناسی حکومت ولایی، قم: نشر دار الصادقین.

۸. محمدی، ابراهیم. (۱۴۰۲ق). عنايات: نقد کتاب تیجانی، چ اول، تهران: مکتب مرتضوی.

۹. دوخی، یحیی عبدالحسین. (بی تا). حقیقة المهدویه و الغیبه، تهران: نشر مشعر.

۱۰. سرورودی، محمد. (۱۳۹۸). تحریف شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین (علیه السلام)، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

۱۱. جعیت، هشام. (۱۳۸۸). منش پیامبر ﷺ، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

۱۲. شرفی، عبدالمجید. (۱۳۹۳). اسلام میان حقیقت و تجلی تاریخی، تهران: کویر.

۱۳. آرمسترانگ، کارل. (۱۳۹۷). محمد، تهران: انتشارات حکمت.

با رویکرد و صورتی یک‌دست - چون «الغدیر»^۱ علامه امینی، «قاموس الرجال»^۲ علامه تستری، «الاجتهاد و النص یا المراجعات»^۳ علامه شرف الدین، «عبدالله سبا و یک صد و پنجاه صحابی ساختگی»^۴ علامه عسگری و در نهایت آثار سید جعفر مرتضی عاملی نیز نام برد. اما در برخی از بررسی‌ها نیز به مطالعات گروهی خاص پرداخته شده است. از آن جمله، مجموعه تلاش‌هایی است که در کشورهای اسلامی به عنوان سیره‌پژوهی از منظر مستشرقان شناخته می‌شود. برای نمونه می‌توان به کتاب «سیره‌پژوهی در غرب: گزیده متون و منابع» یاد کرد. این مجموعه حاوی گزیده‌ای از مقالات از گرایش‌ها و حوزه‌های مختلف غربیان و مربوط به دهه‌های پایانی قرن بیستم و برخی در آغاز قرن بیست و یکم است؛ البته در بین عناوین مقالات این اثر، مقاله‌ای با عنوان «گرایش‌ها و روش‌ها در مطالعات سیره» از اوری روبین، به طور مستقیم به سیره‌پژوهی با نگاه درجه ۲ پرداخته است که به نظر شامل درصدی از حیطه بحث نیز نمی‌شود. برخی نیز تلاش کرده‌اند تا آثاری را در مورد برخی محققان در حوزه سیره پیامبر ﷺ یا ائمه (علیهم‌السلام) معرفی یا نظرات آنان را نقد و بررسی کنند که برای نمونه می‌توان از «بررسی و نقد مدخل (امام) حسن عسکری در دائرة المعارف اسلام»^۵، «امام صادق از دیدگاه خاورشناسان»^۶، «دیدگاه مادلونگ درباره اختلاف امام حسن (علیه‌السلام) و امام علی (علیه‌السلام)»^۷ و بسیاری آثار از این دست نام برد که این آثار بیشتر وارد مباحثه درباره موضوعی یا مقطعی از سیره پیامبر ﷺ و امامان (علیهم‌السلام) شده‌اند. از این جهت، آثاری چون «شرق شناسی»^۸ یا «مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان»^۹، و... که از زاویه نگاه درجه ۲ به مجموعه مطالعات از جمله

۱. علامه امینی، عبدالحسین. (۱۳۹۹). الغدیر، قم: بنیاد بعثت.

۲. شوشتری، محمد تقی. (۱۳۷۸). قاموس الرجال، قم: موسسه نشر اسلامی.

۳. شرف الدین، سید عبدالحسین. (۱۳۸۶). الاجتهاد و النص یا المراجعات، تهران: اسوه.

۴. علامه عسکری، مرتضی. (۱۳۸۷). عبدالله سبا و یک صد و پنجاه صحابی ساختگی، قم: دانشکده اصول الدین.

۵. احمدوند، عباس و طاووسی مسرور، سعید. (۱۳۸۷) بررسی و نقد مدخل (امام) حسن عسکری در دائرة المعارف اسلام احمدوند، تاریخ اسلام، شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۱۴۹-۱۷۰.

۶. احسانی، سیدمحمد. (۱۳۸۹). امام صادق از دیدگاه خاورشناسان، سیمای تاریخ، ش ۳، ص ۷۵-۹۸.

۷. بارانی، محمدرضا؛ زینب میرزایی مهرآباد. (۱۳۹۶). دیدگاه مادلونگ درباره اختلاف امام حسن (علیه‌السلام) و امام

علی (علیه‌السلام)، تاریخ اسلام، شماره ۶۹، ص ۷-۳۲.

۸. سعید، ادوارد. (۱۴۰۲). شرق شناسی، تهران: امیرکبیر.

۹. سمت، ۱۳۸۱.

مطالعات غربی‌ها درباره سیره پرداخته‌اند، نسبت به تحقیقات اخیر از اهمیت بیشتری برخوردارند.

در سالیان اخیر برخی از محققان تلاش نمودند تا به حوزه مباحث نظری سیره معصومان (علیهم‌السلام) وارد شده و به پیشبرد مطالعات کمک نمایند که برای نمونه می‌توان از کتاب «پژوهش در زندگی امامان؛ مبانی و روش‌ها»^۱ یا «نگاهی به مبادی و مبانی تحلیل سیره نبوی»^۲ نام برد. شاید حق آن باشد که نوشته حاضر به نقد و نظر درباره این آثار پردازد، اما به نظر می‌رسد آنچه در این کتب به عنوان مباحث روش پژوهش مطرح شده است صورتی حاشیه ای دارد؛ چنانکه درک کاملی از ابعاد و مراحل مقوله روش در سیره وجود ندارد. برای نمونه در اثر نخست، روش پژوهش محدود به حوزه نقد و سنجش اخبار شده است و پرسش نگارنده آن است که چه معیارهایی برای ارزیابی گزارش‌های زندگانی ائمه (علیهم‌السلام) ملاک قرار می‌گیرد^۳ یا در کتاب دیگر، صرفاً برخی بایسته‌های نگاه عمیق به رویدادهای تاریخی برای کشف زمینه‌ها و علل رویدادهای تاریخی، آن هم نه به صورت منطقی و منسجم مطرح گردیده است.

۱-۳-۳. سیره‌پژوهی؛ مسیری برای درس آموزی

اما دسته دوم آثاری است که به سیره‌پژوهی به مثابه نوعی مطالعه درس آموز توجه شده است. در این بین، از مهم‌ترین آثار در میان اهل سنت، مبتنی بر سیره نبوی و با عنوان «فقه السیره» با هدف خوانشی نوین و فعال و موثر از تاریخ و زندگانی و شخصیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شکل گرفته است؛ البته رویکردها در این آثار متفاوت است، اما نگاه آن است که شناخت محقق باید در یک مسیر منجر به برداشت اصول و قواعدی از سیره نبوی صورت گیرد. شایان ذکر است که البته استفاده احکام از سیره نبوی سابقه‌ای طولانی دارد، اما آنچه کار فقه‌السیره نویسان را متمایز می‌کند، این است که در این شیوه، زندگی پیامبر اسلام، به ترتیب تاریخی و با لحاظ ابعاد تاریخی، بررسی شده، درس‌ها و عبرت‌ها و احکامی که از آن به دست می‌آید، گردآوری و در

۱. محرمی، غلامحسین. (۱۳۹۸). پژوهش در زندگی امامان؛ مبانی و روش‌ها، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

۲. حسینی سروری، سید حسین. (۱۳۸۳). نگاهی به مبادی و مبانی تحلیل سیره نبوی، قم: انتشارات دفتر نشر معارف.

۳. همان، ص ۱۵.

قالب‌های گوناگون علمی و نظری ارائه می‌شود. فصل مشترک دیگر این آثار با حوزه دانشی سیره، آن است که در بررسی‌ها به منابع و روش‌ها از علومی چون تاریخ و حدیث و تفسیر و فقه و... توجه می‌شود. همچنین توجه به مبانی کلامی در بررسی‌های تاریخی از جمله مسائلی است که نویسندگان آثار یاد شده بر آن تاکید دارند.

با این حال به این پرسش که جایگاه فقه‌السیره‌ها در میان علوم اسلامی و همچنین نسبت آن با علوم انسانی چیست، در این آثار نیز کمتر توجه شده است؛ از سوی دیگر، کمتر به شکل نظام‌مند، تلاشی برای تعریف و ترسیم ابعاد فقه‌السیره یا تمایز آن با تاریخ و فقه توجه شده است. نکته دیگر آن است که کمتر نگرش مثبتی به بهره‌مندی از تجربه‌ها و پارادایم‌های علوم انسانی و مبانی و روش‌های علمی آن در فقه‌السیره صورت گرفته است. در بسیاری موارد نیز بررسی‌ها به عنوان شناخت سیره، به دلیل عدم پیروی از روش و منهجی اصولی یا تاریخی مشخص، گرفتار هرج و مرج شده است. در بسیاری موارد دستیابی به اصول و قواعد از سیره نبوی، بسیار ساده انگارانه و بدون توجه به پیچیدگی‌های زمانی و علمی صورت گرفته است. نکته دیگر آنکه کمتر به فرایند بررسی‌های علمی در این حوزه پرداخته شده است و به همین دلیل به آسیب‌های گوناگونی به فرایند استفاده از سیره نبوی برمی‌خوریم؛ نمونه‌ای از آسیب‌های وارد آمده، استفاده از منابع و اخبار نامعتبر و یا قابل تامل درخصوص سیره نبوی است.

گام دیگر که در این حوزه، البته در بیشتر موارد به صورت ناآگاهانه از زوایای معرفتی و فلسفی آن، برداشته شده، بهره‌گیری از حیات، شرح حال، اقوال و یا ابعاد شخصیت معصومان (علیهم‌السلام) در پاسخ به مسائل رایج در کشور ما است. در اینجا باید آثاری که مبتنی بر نگاه تاریخی و با توجه به منابع تاریخی و چنین رویکردی به دنبال بهره‌گیری از معصومان (علیهم‌السلام) بوده‌اند، با عموم تحقیقاتی که در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و حتی علوم اسلامی صورت گرفته و تلاش بر آن بوده تا با مراجعه معمول و نسبتاً بی قاعده به مجموعه‌ای از روایات و اخبار و دسته‌بندی آنها، راهکارهایی کلی و یا جزئی ارائه شود، تفاوت قائل شد، اما باید تصریح نمود که در هر صورت چه نگارنده بر منابع و رویکرد تاریخی مسلط باشد و نباشد، چه بر مبانی کلامی و یا مبانی استنباط آشنا بوده باشد یا نباشد و...، در هر صورت عموم تحقیقات فرایند علمی منضبطی نداشته و به شدت در بهره‌گیری از دیگر دانش‌های مرتبط آشفته‌اند و در نهایت می‌توان گفت، کمتر تحقیقی را می‌توان یافت که در ارائه نگاهی جامع در پاسخ به مسائل، از

جامعیت برخوردار باشد، در حدی که بتوان گفت مبتنی بر این تحقیق، هم شناخت معصوم در یک حوزه به خوبی صورت گرفته است و هم بهره‌گیری از آموزه‌های او که در قول و فعل و تقریر ایشان نمایان شده، به حد کمال انجام شده است.

این آثار بسیار پرتعداد هستند و برای نمونه تنها در موضوع جنگ و صلح به عنوان یکی از مباحث مهم سیاسی، بیش از ۱۷۰ کتاب یا مقاله علمی به زبان فارسی در جستجوهای معمول از پایگاه‌های جستجوی تحقیقات، یافت شد که به ابعاد دیدگاه بخشی از معصومان (علیه السلام) یا همه ایشان، در کنار قرآن یا به صورت مستقل، با تمرکز بر یک متن یا خبر یا مجموعه از متون یا اخبار، با رویکردهای غلبه یافته حدیثی، قرآنی، عقلی و تاریخی، با رویکرد موضوعی و نگاه کلی یا حل مسئله یا مجموعه‌ای از مسائل، با هدف شناخت صرف سبک زندگی معصوم یا استفاده از آنها یا ابعاد متعدد دیگر، پرداخته‌اند. شایان ذکر است که تعداد یاد شده، جز صدها یادداشت و سخنرانی علمی صورت گرفته در این حوزه و مرتبط با این موضوع است. مشکل البته این است که برای نمونه در تحقیقات یاد شده، عموماً هیچ سخنی از مبانی و روش نگارنده به میان نیامده است؛ حتی کمتر بیان شده است که انگیزه چنین بررسی چیست، چه اهدافی دنبال می‌شود و چرا احیاناً به معصومان (علیه السلام) محوریت داده می‌شود.

بخش دیگر از پیشینه تحقیق، مجموعه تلاش‌ها برای ارتباط میان رشته‌ها و حوزه‌های دانشی در علوم اسلامی یا علوم انسانی و البته در ذیل نگرش اسلامی به علوم و نگاه دینی در شناخت امر واقع و همچنین توصیه راهبردها و راهکارهای اجتماعی و سیاسی است. البته در عموم موارد به این نسبت و بنابراین تبیین چگونگی این نسبت توجه صورت نگرفته است؛ با این حال اصل تلاش‌ها برای برقراری ارتباط میان رشته‌های گوناگونی که در حوزه دانشی سیره نقش کلیدی دارند، از جمله گام‌هایی است که می‌تواند در راستای تحقیق حاضر تلقی گردد. برای نمونه تلاش‌های متعددی در چند دهه گذشته برای مشاهده نسبت میان تاریخ‌شناسی با علم کلام، علم حدیث، علم اصول و علم فقه صورت گرفته است. همچنین تلاش‌های متعددی از دیرباز در خصوص نسبت میان تاریخ‌شناسی با دیگر علوم انسانی و علوم اجتماعی در دانشگاه‌ها صورت گرفته است؛ البته مهم‌ترین خلأ، مشارکت اندک در این حوزه، همچنین استمرار این گونه مباحث و در نهایت ناتمام ماندن بسیاری از مسائل در این گفتگوها درباره نسبت و تمایز موضوعات، اهداف و روش‌ها است. در اینجا و به مناسبت جا دارد اشاره شود که مجموع

بررسی‌های صورت گرفته در هر یک از حوزه‌های دانشی مرتبط با حوزه دانشی سیره نیز می‌تواند از جمله پیشینه تحقیق حاضر، دانسته شود که اشاره به ابعاد آن ممکن نیست. همچنین نباید مجموعه تحقیقاتی را که به اصول و قواعد و فرایندهای ایجاد یا تحقق مطالعات میان رشته‌ای می‌پردازند، بی توجه بود.

همچنین، بخش مهمی از پیشینه تحقیق به گفتگوها یا سخنرانی‌های علمی و ... برمی‌گردد که کمتر به صورت مستقل و رسمی یا به صورت مقالات علمی و ... درباره مسئله مورد نظر، منتشر شده است. نگارنده در بررسی‌های خود به بیش از ۱۵۰ گفتار دست یافته است که حداقل از پنج کلیدواژه از میان ده کلیدواژه مهم شناسایی شده در این حوزه، در تعبیر خود استفاده کرده‌اند که بیشتر شامل مباحث علمی مطرح شده توسط اساتید فقه و اصول و ... در کلاس‌های درسی یا گفتگوهای علمی صورت گرفته با اندیشمندان حوزه فقه و کلام و تاریخ و حدیث و .. می‌شود؛ همچنین در این بخش می‌توان تعبیر یا بررسی‌های مهمی که از سوی اندیشمندان بزرگ شیعه و سنی در این باره صورت گرفته و البته تنها صفحه یا صفحات معدودی از آثار را در حوزه‌ای دیگر، به امر حوزه دانشی سیره مرتبط ساخته، اضافه کرد. این تعبیر و بررسی‌ها در نوع خود بسیار ارزشمند و موثر هستند؛ برای نمونه نگاه و بررسی‌های شهید مطهری در این باره به صورت مستقیم، در کمتر از ده صفحه جای گرفته، اما به نظر می‌رسد تاثیر بسزایی در مسیر تحول مباحث در این حوزه داشته است.

اما گذشته از این نگاه کلی، جا دارد تا به برخی تحقیقات که ضمن نگاه درس‌آموز در سیره پژوهی قابل تعریف است و به رویکردها و روش‌ها در چنین مباحثی نظر دارد، توجه شود. از یک سو، ابعاد نظری تحلیل و بهره‌مندی از آموزه‌های پیامبر ﷺ و ائمه هدی (علیهم‌السلام) برای امروز بیش‌تر در بررسی‌های دین‌شناسانه یا ذیل عنوان مطالعات اخلاق اسلامی، قابل مشاهده است که از آنها را می‌توان به عنوان پیشینه پژوهش ذکر کرد. از آن جمله، کتابی با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی»^۱ است. نویسنده در فصل پایانی و با اشاره به آسیب‌شناسی روش‌های تربیت دینی، یکی از روش‌های تربیتی را معرفی الگوها معرفی می‌کند و در ادامه به چند آسیب، چون تاریخی جلوه دادن اسوه‌های دینی یا تقدس‌زدایی از الگوهای دینی می‌پردازد.^۲

۱. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی تربیت دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. همان، ص ۱۳۴-۱۴۰.

صورتی دیگر از پژوهش‌ها که می‌توان به عنوان پیشینه بخشی از تحقیق بدان اشاره کرد، مجموعه تحقیقاتی است که درباره چستی و ابعاد پژوهش‌های اسلامی مربوط به اخلاق کاربردی بحث و بررسی کرده و به شکل غیر مستقیم گاه به چند و چون بهره‌مندی از آموزه‌های اخلاقی و از جمله گزاره‌های سیره پرداخته‌اند. برای نمونه در کتاب «مدل‌های اخلاق کاربردی»^۱ محقق محترم، نگاهی انتقادی به انواع روش‌ها و چارچوب‌های به کارگیری آموزه‌های اخلاقی دارد و در نهایت به چند و چون دنبال کردن الگوهای پژوهش از منظر اسلامی پرداخته است و به برخی وجوه روش‌شناسی مقبول، که کاملاً مرتبط با مباحث سیره‌پژوهی از منظر مورد نظر است، می‌پردازد.

بخش دیگر از نگاه کاربردی به آموزه‌های معصومان (علیهم‌السلام) از منظر شیعی، مطالعه از زاویه برون داد فقهی است. به طور خاص باید از پژوهش‌هایی نام برد که در صدد بررسی ابعاد گوناگون بهره‌مندی از افعال معصومان (علیهم‌السلام) هستند و گاه از مفهوم سیره یاد کرده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به تحلیلی با عنوان «قواعد استنباط از سیره نبوی» اشاره کرد که در مجموعه «سیره پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)»^۲ ارائه شده است. از جمله آثار دیگر، کتاب «استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم»^۳ و «معاصر سازی اسوه‌های دینی»^۴ است. در این پژوهش‌ها تلاش شده است تا به مبانی، ابعاد، فرایند و نمونه‌های از استفاده از افعال پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امامان (علیهم‌السلام) مبتنی بر نگاه شیعی پرداخته شود. این آثار را با عنایت به آثار متعددی که در زبان عربی و به‌ویژه در خصوص چگونگی بهره‌مندی از افعال و رفتار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نگاشته شده و همچنین، غلبه جدی نگاه حدیثی که سبب خاموش ماندن دیگر زوایای موضوع مورد نظر است، می‌توان بیشتر حرکت به سمت طرح مسئله در باب موضوع یاد شده دانست.

در مباحث پیشین گذشت که مسئله نوشته حاضر، چستی سابقه و وضعیت کنونی سیره‌پژوهی از منظر شیعی است. در این صورت با توجه به آنچه در پیشینه تحقیق گذشت،

۱. اسلامی، محمدتقی. (۱۴۰۰). مدل‌های اخلاق کاربردی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲. ری شهری، محمد. (۱۳۹۴). سیره پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، قم: دارالحدیث.

۳. عالم زاده نوری، محمد. (۱۳۹۲). استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۴. پسندیده، عباس. (۱۳۸۷). معاصر سازی اسوه‌های دینی، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۱، ش ۴، ص ۱۰۳-۱۳۱.